



6 خداوند لشکرها در این کوه ضیافتی بر پا خواهد کرد، ضیافتی از خوراکهای لذیذ برای جمیع ملتها. ضیافتی از شراب کهنه، خوراکهای پر مغز و رغوبترین شرابها. 7 او پوششی را که بر تمام ملتها افکنده شده است، و ستری را که بر جمیع قومها گسترده است، در این کوه فرو خواهد بلعید. 8 او مرگ را تا به ابد فرو خواهد بلعید؛ خداوندگار یهوه اشکها را از هر چهره خواهد زدود، و ننگ قوم خویش را از تمامی زمین بر خواهد گرفت، زیرا که خداوند سخن گفته است. 9 در آن روز خواهند گفت: «هان این خدای ما است که منتظر او بودیم تا نجاتمان بخشد. این خداوند است که منتظر او بودیم، پس در نجات او وجد و شادی کنیم.»

یک جامعه کوچک در جنوب آفریقا به عنوان دایره تنگ در اطراف تابوت ایستاد. آماده سازی بدن، کمی اثر را بر آفتاب گرم آفریقای داشت. و بوی بدن فاسد پخش شد، به طوری که یک ربه مگس نیز جمع آوری بود. چیزی باورنکردنی اتفاق افتاد. دختر نوزده ساله یک عضو کلیسا مان در یک حادثه رانندگی فوت کرده بود. فقط چند روز پیش او به دانشگاه سفر کرده بود. او پر از اعتماد به نفس برای شروع کردن زندگی جدید بود. او تنها امید خانوادهش بود. از آنجایی که او در دبیرستان موفق شده بود، آینده ای درخشان داشت. و اکنون همه ما با خانواده در اطراف تابوت ایستاده بودیم. تمام رویاها و برنامه ها خراب شد بود. از این زن جوان، تنها یک تابوت چوبی باقی ماند و بوی فاسد که ما نمی توانیم فراموش بکنیم .. من خیلی ناراحتی را احساس کردم. چه می توانم علیه مرگ انجام دهم؟ چه کسی می تواند چیزی علیه مرگ بگوید؟

انسان ها راه های زیادی مقابله غم و اندوه مرگ دارند. یک روش بسیار قدیمی در بین یونانی های یافت می شود و هنوز هم در بسیاری از موارد محبوب است. با توجه به این نظریه، انسان دارای روح نامرئی هست. این روح حتی در رویداد مرگ باقی می ماند. چون، پس از مرگ، روح به آسمان لغزید خواهد شد. برای مثال، در طبق دین هندو، روح با گل لوتوس مقایسه شده است. ریشه های گل لوتوس در زمین آلود است، در حالی که گل سفید به خاک کثیف نخورد چون گل بر روی آب شناور. با توجه به ایمان هندو، روح انسان مانند این گل لوتوس است. و زندگی بشر در زمین مانند ریشه های گل است که درون خاک کثیف زندگی کند. با این نظریه، مردم دین هندو می توانند خود را راحت کنند. فقط یک مشکلی وجود دارد ... و این است که انسان گل لوتوس نیست! روح انسان نیز تحت تاثیر آسیب این جهان می ماند. مشکلی دیگری نیز در این نظریه وجود دارد: مشکلی این است که در طبق آن نظریه به طور کامل از خدا ندیده گرفت. به عبارت دیگر، مردم ها به دنبال آرامش و امید به روح خودشان هستند. با توجه به این نظریه، انسان نباید از جانب خدا نجات یابد، زیرا روح احتیاج به نجات ندارد. ... با این نظریه جداسازی، بین خدا و انسان بماند. چون انسان خیال کنند که آنها می توانند بدون خدا زندگی ابدی پیدا بکنند. در نسخه مدرن، افرادی بی شماری هستند که دقیقاً این باور را دنبال می کنند. در آلمان شما می توانید دوره های آموزشی را ببینید، که مردم، راه را به روح درونی نشان می دهد. اما آنها اشتباه بزرگی می کنند. آنها خدا را نادیده گذرانند و چون آنها خدا را نادیده می گذرانند، حق ندارند برای زندگی ابدی صحبت کنند. ما باید مرگ را به صورت متفاوت توضیح دهیم. در کتاب مقدس ما یاد می گیریم که مرگ مشکل بین خدا و انسان است. مرگ چیزی است که بین خدا و ما انسانها اتفاق افتاد. بر طبق کتاب مقدس، من فوت کرده نشدم زمانی قلبم هنوز نزنند یا اینکه خون من هنوز چرخش ندارد، اما مرگ از دلیل مشکل بین ما انسان و خدا است. با توجه به کتاب مقدس مرگ فقط ظاهر جسمانی از مشکلی بزرگتر است. سوال اصلی این است که آیا من زنده یا نابود می شوم ... سوال بزرگترین این است که آیا سرنوشتم را در خدا یافتم یا نه. اشعیا پیامبر متن را دوران ها قبل از قیام عیسی مسیح نوشت. او هنوز نمی داند چگونه خدا مرگ را از بین خواهد برد. برای حقیقت در سراسر عهد عتیق، دانش از زندگی ابدی خیلی کم بود. اما آنچه اشعیا پیامبر می فهمد این است که خود خدا باید کاری برای ایجاد زندگی ابدی انجام بدهد. او بسیار خوب می دانست که زندگی ابدی نمی تواند از طریق تلاش های انسانی یا احتیاط انسانی بازگردانده شود. و خداوند به اشعیا پیامبر می گوید که روزی خواهد آمد که خدا پتو بین دنیای اینجا و دنیای آنجا را از بین خواهد برد و بنابراین همه چیز را به وضوح خواهیم دید.

در سال 1989، زمانی که دیوار بین شرق و غرب آلمان افتاد، من در آفریقای جنوبی زندگی میکردم ... در آن زمان بر روی تلویزیون دیدم که مردم قطعات از دیوار برلین را ویران کردند و برداشتند. "در آن زمان من هیچ کاری خوب از آن کار منتظر نکردم". فکر کردم دیر یا زود، خشونت دولت مداخله خواهد کرد. آنچه که من نمی دانستم و آنچه که اکثر مردم احتمالاً نمی دانستند این بود که دیوارهای دیگر از نظر سیاسی سقوط شده بود ... زود یا دیر زمان رسید که کل دیوار بین شرق و غرب آلمان سقوط کرد. دیده اشعیا همینطور بود. اشعیا پیامبر، قیامت و زندگی جدید را از دور دید. او هنوز در مورد قیام عیسی نمی دانست. اما او یک چیز خیلی خوب متوجه شده است و دید: این است که قدرت مرگ می تواند توسط خود خداوند قرار می گیرد. و به همین دلیل است که او دیوار بین مرگ و زندگی را شکست دید حتی اگر قدرت مرگ هنوز دردناک بود. امروز برخی از برادران و خواهران تعمید مقدس را دریافت کرده اند. با این کار مهر و مومی از زندگی ابدی از خود خداوند دریافت کرده اید. حالا به بعد شما در کل زندگی شما تنها یک کار بر گزار خواهید آمد. شما حالا تا بعد دیوارهای مرگ را بین خدا و انسان با تمام عواقب ها را خواهید پاره کرد. شما این کار را با اتماد به نفس می توانید انجام دهید چون تصمیم گیری در مورد لعنت مرگ از مدت ها پیش انجام شده بود. خداوند متعال این تصمیم را گرفته است. و توسط رستاخیز عیسی مهر و موم شده بود. آمین ... آمین.